

## زبان و ادب فارسی در هند دیروز و امروز

دکتر رضا مصطفوی

نخستین مرحله ورود دین مبین اسلام به هند بوسیله اعراب در روزگار معاویه و سپس ولید بن عبدالملک صورت گرفت، که محمد بن قاسم ثقفی و مهلب بن ابی صفره ازدی از راه کابل و مکران و بلوچستان به هند حمله کردند و ثروتی اندوختند و بسیاری را کشتند و باز گشتند. این حمله‌ها موفقیت و پیشرفتی در پی نداشت و تا پایان قرن چهارم قمری معوق ماند:

توسعه راستین اسلام در این شبه قاره از راه زبان فارسی بوسیله سپاهیان محمود غزنوی و سپس شهاب الدین غوری انجام گرفت و سبب گردید تا هندیان زبان فارسی را بیاموزند و بدین وسیله با فرهنگ ایرانی و اسلامی آشنا شوند. رواج زبان فارسی در خطه پهناور هند در همه زبانهای هندی تاثیر گذاشت و این آمیختگی واژگانی تا بدان پایه فزونی یافت که بسیاری از واژه‌های فارسی در زبانهای هندوستانی امروز یعنی زبانهای: آسامی، بنگالی، گجراتی، گنار، کشمیری، مالیالم، مراتی، اُریا، پنجابی، سنکریت، تامل، تلگو، اردو، هندی بکار رفت و حتی بعضی از آن زبانها به خط فارسی کتابت گردید.<sup>۱</sup>

نظامیه‌ها که قدیمی‌ترین دانشگاه‌های ما بود در مُلتان و لاهور تأسیس شد و زبان فارسی و دانشهای اسلامی در آنجا تدریس گردید و عرفان و فرهنگ ایرانی و تصوف اسلامی و بویژه اشعار شاعران فارسی زبان ایران تأثیر شگرفی بر روی فرهنگ و مذاهب هندی گذاشت، و در دوره غزنویان مراکز مهمی، همچون لاهور کانون انتشار زبان و ادب و فرهنگ ایرانی گردید.

از لشکر کشی‌های مکرر محمود غزنوی به هند که نخستین آنها به سال ۳۹۲ (ه. ق) و آخرین آنها در دهم شعبان ۶۱۶ اتفاق افتاد تا سال ۱۲۷۴ قمری که هند رسماً به تصرف انگلیسها در آمد، حدود سی سلسله ایرانی یا فارسی زبان در هند به سلطنت رسیدند و در این مدت که نزدیک ۹ قرن به درازا کشید زبان فارسی زبان رسمی حکومت‌های هند بود و دانشمندان و نویسندگان و لشکریان و شاعران و دولتمردان این سامان همه به زبان فارسی می‌نوشتند و سخن می‌گفتند. بومیان هند نیز به آموختن زبان فارسی رغبت نشان می‌دادند و در نتیجه این زبان و به تبع آن فرهنگ ایرانی و اسلامی تقریباً در تمام زمینه‌ها و جوامع هندی نفوذی کامل و فراگیر یافت تا بدان پایه که نهال برومند زبان فارسی در این سرزمین کم کم به درختی کهنسال و قوی بدل گشت و ریشه‌ها دوانید چنانکه اگر روزگاری مهمانی تازه وارد و غریب می‌نمود، رفته رفته جواز اقامت گرفت و صاحب خانه شد. شاعران و ادیبان و نویسندگان بسیار ظهور کردند و یا از ایران روی بدان سامان نهادند و کتابها و دیوانهای شعر فراوانی به مدد ذوق و قریحه آنان تألیف گردید و سروده شد. مهاجرت دانشمندان و هنرمندان ایرانی به دیار هند که از قرن پنجم و پیش از روزگار ابوریحان بیرونی آغاز گردیده بود، سبب رواج زبان فارسی و فرهنگ ایرانی و اسلامی در خطه هندوستان شد و این مهاجرت‌های فردی و گروهی با حمله مغولان به ایران و کشتار بیرحمانه و جنگ و خونریزیهای آنان و ویرانی مراکز علمی مانند نظامیه‌ها و خانقاهها و مساجد و غیره فزونی گرفت و فتنه‌ها و آشوبگرها و ویرانگریهای مغولان بسیاری از علما و مشایخ

صوفیه شعرا و نویسندگان و دیگر هنرمندان و گروه‌های جامعه آن روزگاریان راهسپارهند گردانید و باعث گردید تا زبان و ادب پارسی در سده‌های هفتم و هشتم در خطه هند رواج کامل یابد، اگر چه تذکره نویسان قدیمی‌ترین شاعر هندی را که به زبان فارسی شعر می‌سروده از روزگار مسعود غزنوی پیشتر نبرده‌اند، اما اشعار نسبتاً پخته‌ای که از آن دوره باقی مانده می‌نمایند که زبان و ادب فارسی پیش از دوره غزنویان نیز در سرزمین هند سکه رایج بوده است. محمد عوفی در لباب‌الالباب از شاعری به نام بوعلی‌الله روزبه بن عبدالله النکتی آهوری<sup>۲</sup> یاد می‌کند که در مدح سلطان مسعود شعر گفته و به قول او (نکات لطیف او از حد و عد افزونست و نفوذ شعر او لطیف و موزون).<sup>۳</sup> ابیات باقیمانده از این شاعر اگر چه اندکست<sup>۴</sup> اما پختگی همین اشعار بازمانده می‌تواند دست کم برهانی<sup>۵</sup> قاطع بر رواج زبان و ادب فارسی قبل از روزگار او باشد. در دوره غزنویان زبان و ادب فارسی در هند رواج کامل داشت و ابوالفرج رونی معاصر سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی (۴۹۲-۴۵۰ ه. ق)، خواه زادگاهش لاهور باشد یا رونه نیشابور، از شاعران بزرگ قرن پنجم در خطه لاهور به شمار می‌آید و با هم عصرش مسعود سعد (۵۱۵-۴۳۸ ه. ق) که مولد و منشأش لاهور<sup>۶</sup> بود سهم مهمی در گسترش زبان و ادب پارسی در مهمترین بخش از متصرفات هند که کرسی آن لاهور محسوب می‌گردید داشتند.

از نیمه قرن هفتم به بعد زبان و ادب فارسی در خطه هند پیشرفت تندتری داشت. دولت خلجیان (۷۲۰-۶۹۰) اگر چه دولتی مستعجل بود و سی سال بیشتر دوام نیافت، اما زبان و ادب فارسی در روزگارشان خوش درخشید و از جهت کیفی و هم کمی پر بار بود. گفته‌اند جلال‌الدین خلجی پادشاهی هنرشناس و هنرپرور بود و خود نیز طبع شعر داشت و دو بیت و غزل می‌سرود<sup>۷</sup> و دانشمندان و موسیقی‌دانان و تاریخ‌نویسان و فیلسوفان و ادیبان از کشورهای همسایه به دربارش در دهلی می‌شتافتند و شاعر بلند پایه هند امیر خسرو دهلوی (۷۲۵-۶۵۲) نیز در همین روزگار می‌زیست. علاء‌الدین خلجی (۷۱۵-۶۹۵) نیز با این که خود سواد نداشت علما و دانشمندان و ادیبان بسیار در دربارش گرد بودند و از

انعامش برخوردار، که به قول مؤلف تاریخ فیروزشاهی<sup>۷</sup> «هریک علامه وقت و در بخارا و سمرقند و بغداد و مصر و خوارزم و دمشق و تبریز و اصفهان وری و روم و در رُبع مسکون نباشند و در هر علمی که فرض کنند از منقولات و معقولات و تفسیر و فقه و اصول فقه .... و اصول دین و نحو و لفظ و لغت و معانی و بدیع و بیان و کلام و منطق موی می شکافتند ... و بعضی از آن استادان در فنون علم و کمالات علوم به درجه غزالی و رازی رسیده بودند» مؤلف یاد شده نام عده بسیاری از علما و دانشمندانی را که به زبان فارسی می نوشتند و می سرودند نیز نقل کرده است. عارف بزرگ و افتخار این دوره نظام الدین اولیا و شیخ فریدالدین گنج شکر دهلوی نیز در همین زمان می زیستند و زبان فارسی وسیله ارشاد و تبلیغ معارف دینی و عرفانی در خانقاهها و اماکن صوفیان گردید و مردان این دو پیر و دیگر مشایخ صوفیه به وسیله همین زبان فارسی از فیوض روحانی و تعلیمات انسانی آنان بهره می بردند. در این دوره مخصوصاً سلطان المشایخ شیخ نظام الدین اولیا از جهت نقش و نفوذی که در محیط ادبی و شخصیت های ادبی داشت نیز اهمیت خاصی دارد. انواع قالبهای شعر فارسی مانند قصیده و مثنوی نیز در این دوره رواج کامل داشت و ختمه امیر خسرو دهلوی نمونه اعلای مثنوی سرائی این دوره به شمار می رود. غزل فارسی نیز در این دوره اهمیت خاصی دارد و امیر حسن سنجری<sup>۸</sup> که او را سعدی هند نامیده اند همچنین امیر خسرو را باید از جمله مشهورترین غزل سرایان این روزگار دانست.

فرهنگ نویسی فارسی، نیز در قرن هشتم هجری در هند رواج یافت و با گسترش زبان و ادب فارسی در این سرزمین نیاز بیشتری به آن احساس گردید و مولانا محمد فخرالدین مبارک شاه غزنوی معروف به فخر قواس معاصر علاء الدین خلجی نخستین فرهنگ فارسی به فارسی را با حدود بیست هزار لغت در همین دوره تالیف کرد. نکته در خور توجه این است که با وجودی که هندیها در لغت نویسی سنکریت پیشینه ای درخشان داشتند و زمان تالیف بعضی از فرهنگهای سنکریت مانند امرکوش تالیف امیرسنگه که فرهنگ منظومی بوده ظاهراً به قرن چهارم میلادی مربوط می گردد<sup>۹</sup>، اما فرهنگ نویسان هندی در مورد

تألیف کتابهای خود همواره متأثر از فرهنگ نویسی ایرانیان بودند و روشهای تدوین فرهنگ را بدان گونه پی ریزی کردند که در ایران متداول و مرسوم بود و این خود یکی دیگر از موارد تأثیر فرهنگ و تمدن ایران در فرهنگ هند به شمار می‌رود.

زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی در قرن هشتم در سراسر هند پهناور از دهلی تا بنگال گسترش کم سابقه‌ای یافت تا آنجا که گفته‌اند پادشاه ادب پَرور هند غیاث‌الدین محمد شاه (۷۵۲-۷۷۵) که از سلاطین تقلیقهٔ دهلی<sup>۱۱</sup> و همدوره حافظ بود و در زبان و ادب فارسی محقق نامدار به شمار می‌رفت، از حافظ دعوت کرد تا به هند برود و قرآینی<sup>۱۲</sup> هم برای این سفر در دیوان حافظ وجود دارد که البته آرزوی حافظ و سفر مذکور تحقق نیافت و گفته‌اند او به عزم سفر هند تالب دریا هم رفت ولی از تلاطم امواج ترسید<sup>۱۳</sup> و بازگشت<sup>۱۴</sup> در قرن نهم خواجه محمود گاوان گیلانی ملقب به ملک‌التجار وزیر دانشمند سلاطین بهمنیهٔ جنوب هند با مولانا عبدالرحمن جامی مکاتبت داشت و در قرن دهم ظهیرالدین محمد بابر (م ۹۳۲) مؤسس سلسله گورکانیان هند نویسنده و اهل ذوق و دربارش محل تجمع ادبا و شعرا بود. خود نیز شعر می‌گفت و با پادشاهان صفوی روابط دوستانه داشت. پسرش همایون نیز هنرمند و شاعر بود و هنرمندان را به هند دعوت می‌کرد و اقامت چهارده ساله‌اش در ایران (۱۵۵۵-۱۵۴۲) در دوره تهماسب صفوی، در انتشار زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در هند تأثیر بسیار زیادی داشت. پادشاهان صفوی به شعر و ادب پارسی توجهی نداشتند و همین موضوع هم سبب روی گردانیدن شاعران و نویسندگان ایرانی از آنان می‌شد و آنان را رهسپار هند می‌کرد. انین اکبری تألیف ابوالفضل دکنی از ۱۵۱ شاعر ایرانی و منتخب التواریخ عبدالقادر بدوانی از ۱۶۷ شاعر و ۳۸ عارف و ۶۹ دانشمند و ۱۵ حکیم در دربار اکبر یاد می‌کند که همه ایرانی بودند. اکبر شاه نیز که جلوسش در سال ۹۶۴ ه. ق مبداء تاریخ اکبری به شمار می‌رود، در ترویج زبان فارسی و تربیت شاعران پارسی‌گوی کوشید. به فارسی شعر می‌گفت و دربارش کانون شعرا و سخنوران ایرانی و فارسی‌دان بود و منصب ملک‌الشعرائی را به رسم پادشاهان ایرانی برای نخستین بار پی

نهاد و غزالی مشهدی (م ۹۸۰) و پس از او فیضی (م ۱۰۰۴) را بدین مرتبه برکشید. عبدالرحیم خان ملقب به خان خانان (م ۱۰۳۶) از رجال بزرگ دربار او بود و او نیز به فارسی شعر می‌گفت. به طور خلاصه باید گفت از سال ۳۶۹ ه. ق که سبکتکین غزنوی به هند حمله برد تا سال ۱۲۷۴ که هندوستان مستعمره انگلستان گردید، حدود سی سلسله مسلمان در شبه قاره حکومت کردند مانند غزنویان (۵۸۲-۴۱۲ ه. ق) ممالیک و غوریان (۶۹۸-۵۸۲) خلجیان (۷۹۰-۶۲۰) آل تغلق (۸۱۵-۷۲۱) ملوک سادات یا خضرخانی (۸۴۷-۸۱۷) افغانان لودی (۹۳۲-۸۵۲) سلاطین گورکانی یا مغول کبیر (۱۲۷۴-۹۳۲). پادشاهان و امرای جنپور و جامان و سند و بنگال و لنکاه و ملوک کشمیر و گجرات و غیره.

همه این خاندانها درباری ایرانی داشتند و ارکان حکومت آنان و نیز دانشمندان و شاعران و نویسندگان و صوفیان و حتی معماران و منجمان و صنعتگران و نقاشان، خوش‌نویسان، کاشی‌سازان، قالی‌بافان، گچ‌بران و جواهرسازانی که در دربار آنان می‌زیستند، ایرانی یا فارسی‌زبان بودند که بنای مشهور و سنبلی هند که با معماری عیسی اصفهانی (یا میرزا عنایت شیرازی) ساخته شده و تخت طاووس شاه جهان پسر جهانگیر ساخته سعیدای گیلانی زرگر باشی را می‌توان به عنوان نمونه‌های هنر ایرانی در هند یاد کرد.

شعر و ادب پارسی در دربارهای هند اختصاص به شاعران مهاجر ایرانی نداشت و بسیاری از شاعران هندی که شرح حال آنها را کتابها باید، با سرودن اشعاری بسیار پر احساس و تغزواتی خود را در سرودن شعر پارسی به اثبات رسانیدند و مشتاقان این زبان شیرین بسیار از آثار هندی و ترکی جغتائی را در این دوره‌ها به فارسی برگردانیدند تزک بابری که به وسیله عبدالرحیم خان ملقب به خان خانان به فارسی برگردانیده شد از آن جمله است.

در روزگار بزرگترین امپراطوران هند، جلال‌الدین محمد اکبر (۱۰۱۴-۹۴۹ ه. ق) و

پسرش نورالدین محمد جهانگیر (۱۰۳۷-۹۷۷) و شاه جهان پسر جهانگیر (۱۰۷۶-۱۰۰۰) و اورنگ زیب عالمگیر پسر شاه جهان (۱۱۱۸-۱۰۲۸) زبان فارسی زبان رسمی دربار هند بود و رونق فوق العاده‌ای داشت و البته این گستردگی زبان فارسی به منطقه خاصی از هند محدود نمی‌گردید و در جنوب هند نیز سلسله‌هائی مانند نظام شاهیه (۱۶۳۳-۱۴۹۰) در احمدنگر، سلسله بهمنیه (۱۵۲۷-۱۳۴۷) در گلبرگه و بیدارو، قطب شاهیه (۱۶۸۷-۱۵۱۸) در گلکنده، آصف جاهیه (۱۹۵۶-۱۷۲۴) و بالاخره عادل شاهیه (۱۶۸۶-۱۴۸۹) در بیجارپور دربارشان کانونی برای انتشار زبان و ادب فارسی بود و از جمله شاعران این دوره می‌توان طالب آملی (م ۱۰۳۶) ملک الشعراء دوره جهانگیر و ظهیری ترشیزی (م ۱۰۲۴) را یاد کرد. تشویق و حمایت سلاطین شاعر یا شعر دوست و ادیب یا ادب پرور خطه هند و رجال دانشمند یا دانش گرای آنجا سبب گردید تا به قول صائب «عزم سفر هند» در هر سری به صورت آرزو درآید<sup>۱۴</sup> و کلیم چنان اسیر هند گردد و دلبستگی اش تا بدان پایه قوت گیرد که اگر می‌خواست به ایران برود یارائی رفتش نباشد و همچون جرس با پای دیگران برود و چنان چشم حسرت در قفا داشته باشد که مقابل را نبیند<sup>۱۵</sup>.

رشید یاسمی در این مورد می‌گوید:

بسیار نامراد به کلام و امان رسیدن و مطالبت چون ز اصفهان می‌رفت به دارالامان هند  
از بس سخن سرای از ایران به هند رفت دهلی و اگره گشت ری و اصفهان هند<sup>۱۶</sup>

در دوره تیموریان هند زبان و ادب فارسی مقام و مرتبه، والائی یافت و زبان فارسی زبان رسمی و زبان سازمانهای کشوری هند تعیین گردید و حساب و سیاق و ثبت وقایع و همه امور دیگر کشور به این زبان ترتیب می‌یافت و انتخاب نامهای فارسی در نامگذاریها معمول گردید.

به برکت رواج زبان فارسی در هند بود که بسیاری از کتابهای تاریخ معتبر در این

خطہ نگارش یافت کہ کوتاہی گفتار را در زیر بہ فہرست اندکی از آن بسیارہا بسندہ می کنیم:

- ۱- اقبال نامہ جہانگیری سہ جلد — تالیف: معتمد خان میرزا محمد
- ۲- اکبر نامہ — تالیف: ابوالفضل بن شیخ مبارک
- ۳- امیر نامہ — تالیف: بساون لال شادان
- ۴- آئین اکبری — تالیف: ابوالفضل
- ۵- آئین حیرت — تالیف: محمد مشیر
- ۶- با برنامہ (ترجمہ فارسی) — بقلم: عبدالرحیم خان خانان
- ۷- پادشاہ نامہ — تالیف: عبدالحمید لاہوری
- ۸- تاریخ آل چنگیز — تالیف: منہاج الدین
- ۹- تاریخ امیر تیمور
- ۱۰- تاریخ آسام — تالیف: شہاب الدین طالش
- ۱۱- تاریخ اود — تالیف: مولوی نظام الدی
- ۱۲- تاریخ بیجاپور موسوم بہ بساتین السلاطین — تالیف: میرزا ابراہیم زبیری
- ۱۳- تاریخ بنای حیدرآباد
- ۱۴- تاریخ پنجسب — تالیف: منشی عبدالکریم
- ۱۵- تاریخ برہان معاصر — تالیف: سید علی طباطبائی چاپ مطبع جامعہ  
دہلی در سال ۱۹۳۶ میلادی
- ۱۶- تاریخ بہویال — تالیف: شاہ جہان بیگم
- ۱۷- تاریخ تاج محل و مصارف تعمیر آن — تالیف: میرزا مغول بیگ
- ۱۸- تاریخ سلاطین دکن — تالیف: ملا نظام الدین احمد بخشی
- ۱۹- تاریخ سلاطین دہلی منظوم
- ۲۰- تاریخ سند — تالیف: محمد معصوم



- ۲۱۔ تاریخ عادل شاہی۔ تالیف: نورالدین قاضی سید علی
- ۲۲۔ تاریخ شاہی معروف بہ تاریخ سلاطین افغانہ۔ تالیف: احمد یادگار چاب پیتست  
میسون کلکتہ سال ۱۹۳۶
- ۲۳۔ تاریخ قادری۔ تالیف: منشی قادر خان بیدری
- ۲۴۔ تاریخ گجرات۔ تالیف: شاہ ابوتراب ولی
- ۲۵۔ تاریخ چین۔ تالیف: محمد زمان خان
- ۲۶۔ تاریخ دکن۔ تالیف: عبدالعلیم نصر اللہ خان
- ۲۷۔ تاریخ فرشتہ۔ تالیف: محمد قاسم ہندوشاہ
- ۲۸۔ تاریخ فیروز شاہی۔ تالیف: ضیاء الدین برنی
- ۲۹۔ تاریخ مہاکشاہی۔ تالیف: یحییٰ ابن احمد
- ۳۰۔ تزک چہانگیری۔ تالیف: جہانگیر شاہ
- ۳۱۔ تذکرہ ہمایون و اکبر۔ تالیف: بایزید بیات (طبع کلکتہ سال ۱۹۴۱ میلادی)
- ۳۲۔ چاچ نامہ منظوم۔ تالیف: ملا فیروز بن کاوس
- ۳۳۔ خلاصۃ الہند۔ تالیف: لچمی نرائین شفیق
- ۳۴۔ داستان ترکنازان ہند۔ تالیف: دولت یار جنگ فدائی
- ۳۵۔ سیر المتأخرین۔ تالیف: غلامحسین خان طالعات فرہنگی
- ۳۶۔ سیر ہند۔ تالیف: محمد قادر خان بیدری
- ۳۷۔ شاہ جہان نامہ۔ تالیف: فاضل خان
- ۳۸۔ شاہ جہان نامہ۔ تالیف: محمد صالح کنبولاہوری
- ۳۹۔ شمشیر خانی۔ تالیف: توکل بیگ
- ۴۰۔ طبقات اکبری۔ تالیف: نظام الدین بن احمد
- ۴۱۔ ضیای قمر۔ تالیف: آخوند شیر حسنخان
- ۴۲۔ طبقات ناصری۔ تالیف: ابو محمد

۴۳۔ طبقات شاه جهانی — تالیف: محمد صادق

۴۴۔ عالمگیر نامہ — تالیف: منشی محمد کاظم بن محمد امین — چاپ کلکتہ

۴۵۔ عمادالسادات — تالیف: غلامعلی نقوی

۴۶۔ عمدہ التواریخ — تالیف: سوهن لعل

۴۷۔ فتحنامہ سند معروف بہ چیچ نامہ — تالیف: شایع کردہ مجلس مخطوطات

فارسی حیدرآباد

۴۸۔ قانون ہمایونی معروف بہ ہمایون نامہ — تالیف: غیاث الدین محمد متوفی ۹۴۲

ہجری چاپ کلکتہ

۴۹۔ قدیم نقش ایران — تالیف: کاوس جی

۵۰۔ کارنامہ حیدری — تالیف: عبدالرحیم

۵۱۔ کتاب الاعراس — تالیف: محمد نجیب قادری

۵۲۔ گلزار آصفیہ — تالیف: غلامحسین خان

۵۳۔ گلستان ہند — تالیف: راجہ درگا پرشاد

۵۴۔ لطائف الاخبار — تالیف: داراشکوہ

۵۵۔ مآثر عالمگیری — تالیف: مستعد خان

۵۶۔ مآثر الامراء — تالیف: صنمصام الدولہ شاہ نواز خان

۵۷۔ مدارج النبوت — تالیف: عبدالحق دہلوی

۵۸۔ منتخب التواریخ — تالیف: سید عبدالقادر بدایونی

۵۹۔ مجمع السلاطین — تالیف: عبدالغفور خان والی جاوہرہ

۶۰۔ مفتلح التواریخ

۶۱۔ مرآت الزمان (تاریخ چین) — تالیف: فرنگی خان

۶۲۔ مرآت اسکندری (تاریخ گجرات) — تالیف: سکندربن محمد عرف منجھو

۶۳- مهر نيمروز - تالیف: ميرزا اسدالله غالب

۶۴- واقعات عالمگیری - تالیف: عاقل خان خانی

۶۵- واقعات کشمیر - تالیف: خواجه محمد اعظم شاه

۶۶- وقایع بنگاله

۶۷- وقایع کولکنده - تالیف: نعمت خان عالی میرزا

۶۸- وقایع نعمت خان عالی - تالیف: محمد بن حکیم

کتابها و داستانهای نیز از ادبیات هندی در موضوعهای گوناگون به زبان فارسی گردانیده شده که بعضی به صورت کامل و بخشی با تصرف و پراکنده چاپ و منتشر گردیده است و در زیر به پاره‌ای از آنها اشارت می‌کنیم.<sup>۱۷</sup>

۱- کلیله و دمنه و کتابهایی که ترجمه و یا به نحوی متأثر یا مقتبس از این کتاب است مانند: اخلاق محتشمی، اخلاق ناصری، الادب الوجیز، الاوامر العلائیه، بختیارنامه، بزم و رزم، بستان العقول، تاج المآثر، تجارب الامم (فارسی)، تحفه الوزراء، ترجمه محاسن اصفهان، ترجمه ملل و نحل، ترجمه یمنی، تزجیه الاعصار، التوسل الی الترسل، جهانگشای جوینی، چهار مقاله، درة الاخبار، راحة الصدور، رساله مناظره گل و مل، روضة اولی الالباب، روضة العقول، سیمط العلی، سندبادنامه، عقد العلی، فرائد السلوک، مرزبان نامه، مرصاد العباد، المعجم فی آثار ملوک العجم، المعجم فی معانی اشعار العجم، معیار الصدق، مکارم اخلاق، منشآت منتجب الدین جوینی، منشآت عمیدالدین اسعد ایزری، نامه تنسر، نسایم الاسحار، تصیحة الملوک، نقشه المصدر، وسائل الوسائل<sup>۱۸</sup>، داستانهای بیدپای....

(۲) طوطی نامه

(۳) مهابهارات

(۴) سندبادنامه

(۵) هزار و یک شب

- (۶) داستانهای پورانا مانند باگات مالا، مرآت الحقایق، رامایانا  
(۷) کتاسرت ساگرکه با نام «دریای اسمار» منتشر شده است.  
(۸) سنگهاسن بتی سی با همین نام و نیز با نام مفتاح القلوب به فارسی گردانیده شده است.

(۹) راجابکراماجیت

(۱۰) کامروپ و کاملتا

(۱۱) قصه کلاکام

(۱۲) عشق کامروپ

(۱۳) منوهر و مدھومالتی

(۱۴) شکنتلا یا خاتم مفقوده

(۱۵) بلویر و جوزاسف از قصه‌های بودائی رایج در هند

(۱۶) و کرم اروشی

(۱۷) جوک بشست

(۱۸) پدماوت

(۱۹) مینا ولورک (یا عصمت نامه).....

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیدا آمدن آنهمه آثار نثر و نظم به زبان فارسی چنانکه پیش از این اشارت رفت ضرورت تدوین کتاب لغت و فراهم آمدن فرهنگهای فارسی به فارسی را برای درک و فهم متون مذکور سبب گردید و در این راستا فن و دانش لغت نویسی رواج یافت که بی شک باید سهم هندیها را در تالیف کتب لغت فارسی از خود ایرانیان فراتر و برتر دانست و زحمتشان را مشکور داشت. فرهنگهای زیر بخشی از آنهاست:<sup>۱۹</sup>

- |                        |                                                      |                           |
|------------------------|------------------------------------------------------|---------------------------|
| ۱۔ فرهنگ قواسی         | محمد فخرالدین مبارک شاہ                              | ۶۹۵-۷۱۵ ہجری              |
| ۲۔ دستور الافاضل       | مولانا رفیع دہلوی                                    | ۷۴۳ ہجری                  |
| ۳۔ بحر الفضائل         | مولانا فضل الدین محمد بن قوام                        | ۷۹۵ ہجری                  |
| ۴۔ ادات الفضلاء        | قاضی بدرالدین دہلوی                                  | ۸۲۲ ہجری                  |
| ۵۔ مفتاح الفضلاء       | محمد بن داور بن محمود                                | ۸۷۳ ہجری                  |
| ۶۔ شرفنامہ منیری       | شیخ ابراہیم قوام                                     | ۸۷۷ ہجری                  |
| ۷۔ مجمل المعجم         | عاصم شعیب عبدوسی                                     | ۸۹۹ ہجری                  |
| ۸۔ تحفہ السعادت        | محمود بن شیخ ضیاء                                    | ۹۱۶ ہجری                  |
| ۹۔ مویذ الفضلاء        | مولانا محمد ابن لاد                                  | ۹۲۵ ہجری                  |
| ۱۰۔ فرهنگ ابراہیم شاہی | مجهول المؤلف                                         | اوائل قرن شانزدهم میلادی  |
| ۱۱۔ فرهنگ فتح الكتاب   | ابوالخیرین سعد الانصاری                              | ۹۹۱ ہجری قمری             |
| ۱۲۔ مجموع اللغات       | ابوالفضل                                             | ۹۹۴ ہجری قمری             |
| ۱۳۔ فرهنگ شیرخان       | شیرخان سور                                           | ۹۵۵ ہجری قمری             |
| ۱۴۔ انیس الشعراء       | عبدالکریم                                            | ۹۹۸ ہجری قمری             |
| ۱۵۔ مدار الافاضل       | پروفیسر کاظم انسانی و مطالعات فرہنگی<br>الہ داد فیضی | ۱۰۰۱ ہجری قمری            |
| ۱۶۔ فرهنگ جهانگیری     | جمال الدین حسین انجونی                               | ۱۰۱۷ ہجری قمری            |
| ۱۷۔ دُرّ دری           | علی یوسفی شیروانی                                    | ۱۰۱۸ ہجری قمری            |
| ۱۸۔ جمع الجوامع        | علی محمد بن شیخ                                      | ۱۰۴۶ ہجری قمری            |
| ۱۹۔ چہار عنصر دانش     | امان الہ حسینی                                       | ۱۰۱۴/۳۷ ہجری قمری         |
| ۲۰۔ لغت علمی           | محمود ابن شیخ ضیاء                                   | اواخر نیمہ اول قرن یازدهم |
| ۲۱۔ برہان قاطع         | محمد حسین برہان تبریزی                               | ۱۰۶۲"                     |

- |                      |                          |                         |
|----------------------|--------------------------|-------------------------|
| ۱۰۶۴"                | عبدالرشید تتوی           | ۲۲- فرهنگ رشیدی         |
| ۱۰۶۹"                | مجهول المؤلف             | ۲۳- بحر اللغات          |
| ۱۰۸۱"                | غلام اله بهکن صدیقی      | ۲۴- اشهر اللغات         |
| ۱۱۱۹"                | فاضل محمد دهلوی          | ۲۵- لغات عالمگیر        |
| ۱۱۳۰"                | مجهول المؤلف             | ۲۶- لغات فارسی          |
| ۱۱۴۷"                | سراج الدین علیخان آرزو   | ۲۷- سراج اللغات         |
| ۱۱۴۷ یازدهم قمری     | سراج الدین علیخان آرزو   | ۲۸- چراغ هدایت          |
| نیمه دوم قرن دوازدهم | عطاء الله دانشورخان ندرت | ۲۹- آئین عطایا آب حیات  |
| ۱۱۵۹"                | محمد قاسم منشی           | ۳۰- فرهنگ تالیف اللغات  |
| ۱۱۸۰"                | حافظ ملک قمرالدین        | ۳۱- فرهنگ مجملی         |
| ۱۱۸۵"                | مجهول المؤلف             | ۳۲- کتاب ابواب اللغات   |
| ۱۱۹۸"                | میر شیر علی قانع تتوی    | ۳۳- نصاب البلقاء        |
| ۱۲۰۰ هجری قمری       | غلام یوسف                | ۳۴- تالیف یوسفی         |
| ۱۲۰۵/۹"              | محمد صادق                | ۳۵- منتخب اللغات دنکینی |
| ۱۲۱۱"                | میر حسن دهلوی            | ۳۶- شرف اللغات          |
| ۱۲۱۴"                | شیخ نورالدین یوسف        | ۳۷- قسطاس اللغات        |
| ۱۲۳۷"                | سید غلام حسین رضوی       | ۳۸- فرهنگ حسینی         |
| ۱۲۵۹"                | جعفر علی خان             | ۳۹- فرهنگ جعفری         |
| ۱۲۷۰"                | مجهول المؤلف             | ۴۰- فوائد الصیان        |
| ۱۲۸۰"                | مولوی نجف علی جهجری      | ۴۱- دری کشا             |
| اواخر قرن سیزدهم     | غضنفر علی                | ۴۲- فرهنگ وزیر خانی     |

- ۴۳- قاطع برهان و کتبی در رد یا تائید آن اسداله الغالب و دیگران " ۱۲۷۸/۹۴
- ۴۴- درفش کاویان میرزا اسدالله غالب ۱۲۸۱ قمری
- ۴۵- محرق قاطع برهان سید سعادت علی " ۱۲۸۰
- ۴۶- دافع هندیان مولوی نجف علی خان جهجری " ۱۲۸۱
- ۴۷- لطائف غیبی میان دادخان سیاح " ۱۲۸۱
- ۴۸- سنوالات عبدالکریم میان دادخان سیاح " ۱۲۸۱
- ۴۹- ساطع برهان میرزا رحیم بیک میرتهی " ۱۲۸۲
- ۵۰- نامه غالب میرزا اسدالله خان غالب " ۱۸۶۵
- ۵۱- قاطع القاطع امین الدین دهلوی " ۱۳۸۳
- ۵۲- موید برهان احمد علی جهانگیر نگری " ۱۲۸۲
- ۵۳- تیغ تیز میرزا اسدالله خان غالب " ۱۲۸۴
- ۵۴- کشف الغات عبدالرحیم بن احمد سور بهاری اول قرن دهم
- ۵۵- مرآت الاصطلاح آنندرام مخلص ۱۱۵۸ ق. ۵
- ۵۶- بهار عجم لالاتیک چند بهار " ۱۱۶۲
- ۵۷- نوادر المصادر لالاتیک چند بهار " ۱۱۶۶
- ۵۸- مصطلحات الشعراء یرتال جامع علوم مل دارسته سیالکوتی " ۱۱۸۰
- ۵۹- منتخب بهار عجم اندرمن " ۱۱۸۴
- ۶۰- تحقیق الاصطلاحات میرامیر حیدر حسینی واسطی " ۱۱۸۵
- ۶۱- مجمع الجوامع سید محمد حسین پسر محمد هادی اواخر قرن ۱۲ ه.ق.
- ۶۲- مخزن الادویه میر محمد حسین پسر محمد هادی اواخر قرن ۱۲ ه.ق. یا اوائل ۱۳
- ۶۳- ایمای ظفری محمد صالح " ۱۲۵۲

- ۶۴- رساله تحقیق الاوزان      عبدالله بن اشرف صدیقی      ۱۲۶۴"
- ۶۵- بحر عجم      مولوی محمد حسین راقم      ۱۲۶۸"
- ۶۶- خزینه الامثال      سید حسین شاه حقیقت      ۱۲۷۰"
- ۶۷- مظهر العجایب      میرزا محمد حسین قتیل      ۱۲۹۱"
- ۶۸- موارد المصادر      ابوالنصر سید علی حسن خان سلیم      اوائل قرن سیزدهم
- ۶۹- مجموعه مرادفات      منشی محمد بادشاه      ۱۲۹۱ هجری قمری
- ۷۰- اصطلاحات الشعراء      رحیم الدین بن کریم الدین      قرن سیزدهم هجری
- ۷۱- عنصر چهارم      مجهول المؤلف      نامعلوم
- ۷۲- مرکبات جهانگیری      مجهول المؤلف      نامعلوم
- ۷۳- جواهر المصادر      مولوی محمد مهدی واصف      نامعلوم
- ۷۴- گنجینه مصادر و سرچشمه نوادر      سید ابوالحسن      ۱۳۴۲ هجری قمری
- ۷۵- لطائف اللغات      مولوی عبداللطیف      ۱۰۳۱ هجری قمری
- ۷۶- گنج نامه      ابن طیفور      ۱۰۶۹"
- ۷۷- اصطلاحات نامه      شیخ محمد عبدالکریم      ۱۰۷۱"
- ۷۸- مفتاح گلستان      خواجہ ابوالفیض معین الدین      ۱۱۳۵"
- ۷۹- محمود اللغات      محمود بن شیخ عبدالواحد      ۱۱۵۰"
- ۸۰- گنج اللغات      گردهاری لعل      ۱۱۷۶"
- ۸۱- فرهنگ دستور الصبیان      گردهاری لعل      ۱۱۷۶"
- ۸۲- فرهنگ لغات دساتیر      مجهول المؤلف      ۱۲۳۱"
- ۸۳- لغات زند و پازند      مجهول المؤلف      نامعلوم
- ۸۴- فرهنگ نایاب      محمد هادی علی      ۱۲۶۵"



۱۲۹۸"	جنید عبدالله الموسوی	۸۵- فرهنگ گلستان
نامعلوم	سید ابن حسن	۸۶- فرهنگ سکندر نامه
"	لالا جنگلی مل دهلوی	۸۷- فرهنگ بحر الجواهر
"	مجهول المؤلف	۸۸- فرهنگ فارسی
۱۹۲۴ میلادی	سید اولاد حسین شادان بلگرامی	۸۹- فرهنگ و تعلیقات حاجی بابا سید اولاد حسین شادان بلگرامی
۶۵۱-۷۲۵ ق. ۵	خسرو	۹۰- مطبوع الصبیان (خالق باری)
" ۹۶۰	اجیچند بهتاگر	۹۱- اجیچند نامه
" ۱۱۷۹	زین الدین ابن شیخ محمود بریلوی	۹۲- مرغوب الصبیان
" ۱۱۹۶	حافظ احسن الله لاهوری	۹۳- مفتاح الافواه
" ۱۲۶۷	محمد علی محمد	۹۴- گوهر منظوم
۱۲۸۰ هجری قمری	خدا بخش	۹۵- نصاب ضروری
" ۱۲۸۰	محمد علی محمد	۹۶- خیابان گلشن
" ۱۲۸۰	میرزا اسدالله خان غالب	۹۷- قادر نامه غالب
" ۱۲۹۴	عزیز الدین احمد نظر جلیسری	۹۸- نصاب نادر الترتیب
" ۱۳۰۸	حافظ غلام احمد فروغی	۹۹- نصاب فیض شاهجهانی
" ۱۳۰۹	حافظ غلام احمد فروغی	۱۰۰- نصاب حیات عزیزی
" ۱۳۱۶	حافظ غلام احمد فروغی	۱۰۱- نصاب بی نظیر
" ۱۳۲۳	حافظ غلام احمد فروغی	۱۰۲- نصاب نذر سلطانی
نامعلوم	مجهول المؤلف	۱۰۳- یغمان
" ۱۲۱۱	مولوی سیف الله	۱۰۴- ضرور المبتدی
" ۱۲۱۹	باستصلاح مستر جوزف بریتوجیز	۱۰۵- شمس اللغات

"	۱۲۲۹	غازی الدین حیدر پادشاه اود	۱۰۶- هفت قلم
"	۱۲۴۲	محمد غیاث الدین	۱۰۷- غیاث اللغات
"	۱۲۴۵	محمی الدین نایطی پتور	۱۰۸- فرهنگ فرخی
"	۱۲۵۳	اوحد الدین بلگرامی	۱۰۹- نفایس اللغات
"	۱۲۵۹	شیخ احمد حسرت	۱۱۰- تسهیل اللغات
"	۱۲۶۸	آندی بر شاد	۱۱۱- گلدسته گفتار
"	۱۲۷۳	سید اولاد احمد سهسوانی	۱۱۲- مفتاح اللغات
"	۱۲۷۷	مولوی کریم الدین	۱۱۳- کریم اللغات
"	۱۲۹۲	محمد عبدالغنی خان غنی	۱۱۴- ارمغان آصفی
"	۱۲۹۳ هجری قمری	واجد علیشاه پادشاه اود	۱۱۵- ملاذالکلمات
"	۱۲۹۵	مولوی محمد حسن بلگرامی	۱۱۶- لغت شاهجهانی
"	۱۲۹۸	محمد ناصر علی غیاث پوری	۱۱۷- اربع عناصر
"	۱۳۰۰	مشئی محمد حسین	۱۱۸- دانش افزا
"	۱۳۰۴	نواب شاهجهان بیگم	۱۱۹- خزانه اللغات
"	۱۳۰۶	مشئی محمد بادشاه	۱۲۰- فرهنگ آندراج
"	۱۳۰۶	خواجه محمود علی	۱۲۱- فرهنگ محمودی
"	۱۳۰۹	مشئی غلام سرور لاهوری	۱۲۲- جامع اللغات
"	۱۳۱۲	مشئی منظور احمد اذفر	۱۲۳- گلشن الفاظ
"	۱۳۱۳	جان محمد اعظم خان	۱۲۴- محیط اعظم
—	—	—	۱۲۵- قسطاس الاطباء
"	۱۳۱۴	شیخ نورالدین حکیم	۱۲۶- قسطاس اللغات

"	۱۳۱۶	منشی، غلام سرور لاهوری	۱۲۷- زبده اللغات
"	۱۳۲۲	سید تصدیق حسین رضوی	۱۲۸- لغت کشوری
	۱۳۲۵/۴۰	نواب عزیز جنگ بهادر	۱۲۹- آصف اللغات
"	۱۳۳۶	مولوی محمد جعفر	۱۳۰- مختصر اللغات
"	۱۳۳۹	راجہ راجیسور را واصغر	۱۳۱- فرهنگ فارسی جدید
"	۱۳۴۲	دکتر شیخ عندلیب شادانی	۱۳۲- نقش بدیع
	۱۳۴۶/۵۸	محمد علی داعی الاسلام	۱۳۳- فرهنگ نظام
	—	حسین بن سید شاه عبدالرزاق	۱۳۴- فرهنگ آداب
	—	مولوی محمد فیروز الدین	۱۳۵- لغات فیروزی
	۱۹۵۲ میلادی	الحاج مولوی فیروز الدین	۱۳۶- فیروز اللغات، فارسی
	۱۳۷۰ هجری	فیروز الدین رازی	۱۳۷- فرهنگ نامه جدید

تذکره های زیر بخشی از بسیار تذکره هائی است که در شبه قاره هند به فارسی تالیف

گردیده است:

- ۱- انوار العارفين — تالیف: حافظ محمد حسین مراد آبادی
- ۲- اخبار الاخبار فی اسرار الابرار — چاپ مطبع مجتبائی دهلی
- ۳- اختر تابان — تالیف: ابوالقاسم محتشم
- ۴- اشارات بینش — تالیف: مرتضی
- ۵- اصول المقصود — تالیف: شاه تراب علی
- ۶- آفتاب عالمتاب — تالیف: قاضی محمد صادق خان اختر
- ۷- انیس العاشقین — تالیف: رتن سنگه زخمی
- ۸- انیس العشاق — تالیف: احمد علی سبندیلوی

- ۹- انیس الاحباء — تالیف: موهن لال انیس
- ۱۰- باغ معانی — تالیف: نقش علی
- ۱۱- بزم ایران — تالیف: حاجی سید محمد رضا چاپ نظامی پریس لکنهو
- ۱۲- بزم آرای — تالیف: سید علی ابن محمود حسینی
- ۱۳- بهارستان — تالیف: عبدالرزاق
- ۱۴- بهارستان سخن — تالیف: شاه نواز خان
- ۱۵- بی نظیر — تالیف: میر عبدالوهاب دولت آبادی (۱۱۶۶ هـ)
- ۱۶- تحفة الشعراء — تالیف: افضل بیگ
- ۱۷- تحفة الکرام (سه جلد) — تالیف: علی شیر قانع
- ۱۸- تذکرة الشعراء — تالیف: شیخ محمد بقاسهار نیوری
- ۱۹- تذکرة شاعرات، تذکرة خواتین — تالیف: (نامعلوم)
- ۲۰- تذکرة حسینی — تالیف: میر حسین دوست سنبلهلی
- ۲۱- تذکرة نوبهار — تالیف: محمد رفیع الدین
- ۲۲- تذکرة النساء — تالیف: درگا پر شاد
- ۲۳- تذکرة — تالیف: میرزا طاهر نصیر آبادی (۱۰۳۸ هـ)
- ۲۴- تذکرة دینشا — تالیف: دینشا
- ۲۵- تذکرة الشعراء — تالیف: عبدالغنی خان غنی
- ۲۶- تذکرة فارسی — تالیف: مصحفی همدانی
- ۲۷- تذکرة منیر — تالیف: منیر لاهوری
- ۲۸- تذکرة ندرت — تالیف: علی فطرت ندرت
- ۲۹- تذکرة خرابات — تالیف: (نامعلوم)
- ۳۰- تذکرة المعاصرین حزین — تالیف: شیخ محمد علی حزین (۱۱۶۵ هـ)
- ۳۱- تذکرة الشعراء وارسته — تالیف: مل وارسته لکوئی
- ۳۲- تذکرة الشعراء — تالیف: میر بها الدین حسن عروج

- ۳۳- تذکره باغستان — تالیف: ریاض
- ۳۴- تکمله مقالات الشعراء — تالیف: مخدوم ابراهیم خلیل تتوی
- ۳۵- جواهر العجائب — تالیف: فخری ابن امیری هروی
- ۳۶- حدیقه عشرت — تالیف: درگا پرشاد
- ۳۷- حیات الشعراء — تالیف: محمد علیخان متین کشمیری
- ۳۸- خزانه عامره — تالیف: غلامعلی آزاد بلگرامی
- ۳۹- خزینه الاصفیاء (۲ جلد) — تالیف: غلام سرور لاهوری چاپ نولکشور
- ۴۰- خلاصه الافکار — تالیف: ابوطالب تبریزی
- ۴۱- خلاصه الاشعار وزیده الافکار — تالیف: تقی کاشی
- ۴۲- خلاصه الحیات — تالیف: احمد بن نصرالله (زمان اکبرشاه)
- ۴۳- خلاصه الشعراء — تالیف: عبداللطیف عباسی گجراتی
- ۴۴- خلاصه الکلام — تالیف: علی ابراهیم خان خلیل
- ۴۵- درمجالس — تالیف: سیف ظفر نورالدین بهاری کتابت (۱۱۹۶)
- ۴۶- دقایق الاشعار — تالیف: عبدالوهاب
- ۴۷- رساله چندر بهان برهمن — تالیف: چندر بهان برهمن
- ۴۸- روز روشن — تالیف: مولوی مظفر حسین صبا گوپاموی
- ۴۹- ریاض الشعراء — تالیف: علیقلی خان واله داغستانی
- ۵۰- ریاض الاولیاء — تالیف: محمد بختاور خان عالمگیری
- ۵۱- ریاض الوفاق — تالیف: ذوالفقار علی مست
- ۵۲- روضة السلاطین — تالیف: فخری ابن امیری
- ۵۳- روضة الاولیاء — تالیف: غلامعلی آزاد بلگرامی (۱۱۶۱ھ)
- ۵۴- سخنوران ایران در عصر معاصر — تالیف: دکتر محمد اسحاق
- ۵۵- سخنوران چشم دیده — تالیف: مولوی ترک علی شاه ترکی قلندر نور محلی
- مطبع شمس الاسلام

- ۵۶- سرو آزاد — تالیف: غلامعلی آزاد بلگرامی
- ۵۷- سفینه بیخبر — تالیف: میر عظمت الله بلگرامی
- ۵۸- سفینه الاولیاء — تالیف: محمد داراشکوه (۱۰۵۰هـ)
- ۵۹- سفینه هندی — تالیف: بهگوان داس
- ۶۰- سفینه شوق — تالیف: رای رتن سکه شوق
- ۶۱- سفینه رحمانی — تالیف: حافظ عبدالرحمن حیرت
- ۶۲- سفینه خوشگو — تالیف: خوشگو
- ۶۳- سفینه عشرت — تالیف: درگاداس
- ۶۴- شام غربیان — تالیف: لچمی نرائن شفیق
- ۶۵- شمع انجمن — تالیف: نواب صدیق حسن خان
- ۶۶- صبح گلشن — تالیف: سید علی حسنینخان
- ۶۷- صبح وطن — تالیف: محمد غوث خان والی ارکات
- ۶۸- صحائف شرائف — تالیف: محمد عسکری حسینی بلگرامی
- ۶۹- صحف ابراهیم — تالیف: علی ابراهیم خان
- ۷۰- طبقات الشعراء — تالیف: محمد قدرت الله شوق
- ۷۱- طبقات شاه جهانی — تالیف: محمد صادق طالعالت فرزندگی
- ۷۲- طور کلیم — تالیف: سید نورالحسن خان
- ۷۳- عقد ثریا — تالیف: مصحفی
- ۷۴- عرفات العاشقین — تالیف: تقی اوحدی
- ۷۵- قرآن السعداء — تالیف: محمد الحسینی اورنگ آبادی
- ۷۶- قند پارسی — تالیف: نساخ
- ۷۷- کاشی نامه — تالیف: ستیل سینکه
- ۷۸- کلمات الشعراء — تالیف: محمد افضل سر خوش (۱۱۰۰هـ)
- ۷۹- گل رعنا — تالیف: لچمن نرائن شفیق اورنگ آبادی

- ۸۰۔ گلدستہ — تالیف: عبدالوہاب عالمگیری
- ۸۱۔ گلدستہ کرناٹک — تالیف: غلامعلی
- ۸۲۔ گلدستہ نشاط — تالیف: چاب کلکتہ در سال ۱۸۳۶ م
- ۸۳۔ گلشن بی خار — تالیف: غلامعلی مصطفی شیفہ
- ۸۴۔ گلشن ناز — تالیف: (نامعلوم)
- ۸۵۔ گلزار اعظم — تالیف: نواب محمد غوث خان اعظ چاب ۱۲۷۲ھ
- ۸۶۔ گلستان مسرت
- ۸۷۔ لب لباب — تالیف: قمر الدین علی
- ۸۸۔ لباب الالباب — تالیف: محمد عوفی
- ۸۹۔ لطائف الخیال — تالیف: محمد ابی محمد عارف
- ۹۰۔ ماہ درخشان
- ۹۱۔ مرآة الخیال — تالیف: شیرخان لودی (۱۱۰۲ھ)
- ۹۲۔ مرآة الکوین — تالیف: غلام نبی فردوسی
- ۹۳۔ مآثر رحیمی — تالیف: عبدالباقی متوفی (۱۱۴۲ھ)
- ۹۴۔ مآثر کریمی
- ۹۵۔ مجمع النفایس — تالیف: سراج الدین علی خان آرزو (۱۱۶۴ھ)
- ۹۶۔ مجمع الشعراءِ جهانگیری — تالیف: قاطعی
- ۹۷۔ مخزن الغرائب — تالیف: احمد خان ہاشمی سندیلوی
- ۹۸۔ مردم دیدہ — تالیف: شاہ عبدالکریم لاهوری (۱۱۷۵ھ)
- ۹۹۔ معراج الخیال — تالیف: وزیر علی عزتی
- ۱۰۰۔ مقالات الشعراء — تالیف: میر علی شیر قانع تتوی (۱۱۷۳ھ)
- ۱۰۱۔ مقالات الشعراء — تالیف: قیام الدین حیرت
- ۱۰۲۔ منتخب الالباب — تالیف: چاب انجمن آسیائی بنگال بسال ۱۸۶۹ میلادی
- ۱۰۳۔ منتخب الاشعار — تالیف: مرادان علی خان مبتلا

- ۱۰۴- میخانه — تالیف: ملا عبدالنبی فخرالله (۱۲۰۵ هـ)
- ۱۰۵- نتایج الافکار — تالیف: قدرت الله کوباموی (۱۲۵۶ هـ)
- ۱۰۶- نشتر عشق — تالیف: علی قلی خان عظیم آبادی
- ۱۰۷- نفائس المآثر — تالیف: میرزا علاءالدوله قزوینی
- ۱۰۸- نگارستان سخن — تالیف: نورالله بن نواب صدیق حسن خان
- ۱۰۹- هفت اقلیم — تالیف: ابن احمد رازی جهان آبادی (۱۲۳۳ هـ)
- ۱۱۰- هفت آسمان
- ۱۱۱- همیشه بهار — تالیف: کشن چند اخلاص شاه
- ۱۱۲- یدبضا — تالیف: میر غلام علی آزادبن سید نوح بلگرامی
- ۱۱۳- بتخانه — تالیف: محمد صدفی و حسن بیگ
- ۱۱۴- خزینة گنج الهی — تالیف: الهی حسین
- ۱۱۵- مذکر الاحباب — تالیف: نثاری بخاری
- اما شکوه دیرینه زبان و ادب فارسی در هند با آمدن انگلیسها به این سرزمین دیگرگون گردید. تا سال ۱۸۱۴ (۳۰-۱۳۲۹ هـ. ق) که آنان برنامه‌های آموزشی خود را برای هندیها ترتیب دادند، زبان فارسی و به تبع آن فرهنگ ایرانی و اسلامی از رواج و رونق گذشته برخوردار بود. انگلیسها پس از آنکه تسلط خود را بر هند تثبیت کردند، حدود بیست و پنج سالی هم در حفظ زبان فارسی به روال پیشین کوشیدند. آنان می‌دانستند که این زبان پیش از آنان در تمام شوون فرهنگی مملکتی هند ریشه دوانیده بود و دادگاهها، دربارها و مراکز فرهنگی، اسناد و مدارک را به زبان فارسی تنظیم کرده بودند و بنابراین بناچار روش گذشته را حفظ کردند و به فراگیری آن نیز رغبت نشان دادند تا با دانستن زبان فارسی در امور کشورداری توفیق بیشتری کسب کنند. مولانا عبدالحق دبیر انجمن اردو می‌نویسد: «هنگامی که دیوان محاکمات بنگال به انگلیسها واگذار شد، ابقاء زبان فارسی یکی از مهمترین شرایط قرارداد بود. بهر حال آموختن زبان فارسی و به دست آوردن مهارت در آن زبان برای دادرسان لازم می‌نمود و در غیر این صورت آنان نمی‌توانستند مسئولیتهای



مهم خود را انجام دهند. بر کارمندان دیوان دادگستری و مترجمان بود که از عهده امتحانات زبان فارسی برآیند. قوانین و مقررات به صورت ترجمه فارسی در دست آنان بود و بر وکلای نیز لازم بود که قوانین و ضوابط را حفظ کنند.<sup>۲۰</sup> سرهنگ ایلن میکفرسن در نامه‌ای به جیمز میکفرسن چنین می‌نویسد: «من خوشحالم که شما بسیار سر حال و راضی هستید و به تحصیل زبان فارسی دلبستگی دارید. عزیز من: باور داشته باشید با بکار بردن استعداد کافی در آموزش این زبان و یاری دوستان، شما می‌توانید فرصتی به دست آورید که در هند پیشرفت کنید. باید به استحضارتان برسانم که برای بدست آوردن مهارت در زبان فارسی هیچ دقیقه‌ای را فروگذار نکنید. پس از آن آموختن زبان عربی نیز بر شما آسان می‌شود. جوان فهمیده‌ای که با این زبان به خوبی آشنائی داشته باشد می‌تواند در این کشور به مقامات برسد».<sup>۲۱</sup>

نقش حساس زبان فارسی در منطقه به دلیل سابقه طولانی و فرهنگی آن بر انگلیسی‌ها روشن بود تا آنجا که در سال ۱۷۵۷ (۱۱۷۱ ه. ق) بر آن شدند عده‌ای را برای آموختن زبان فارسی به بصره بفرستند و ارن هستینگز استاندار کلکته برای آموختن زبان فارسی مدرسه‌ای در این شهر بنیاد نهاد. نیز هم او مدرسه‌ای اسلامی تاسیس کرد که در آن زبان فارسی تدریس می‌گردید.

مدارسی که در آن زمان در آنها زبان فارسی تدریس می‌گردید به اختصار عبارت بود از: مدرسه کلکته (تاسیس ۱۷۸۱). دانشکده اگره (ت ۱۸۲۲) مدرسه بریلی که با حومه بر روی هم ۳۴۱ مدرسه داشت. مدرسه بنارس (ت ۱۸۱۸) مدرسه کانپور (ت ۱۸۲۰) دانشکده دهلی (تاسیس پیش از سال ۱۸۲۷) مدرسه دهلی، مدرسه‌های فریزر دهلی (۱۸۱۴).

چنانکه پیش از این نیز اشارت رفت حدود بیست و پنج سالی بیشتر انگلیسی‌ها از زبان فارسی حمایت نکردند و پس از آن بنای مخالفت را با آن زبان کنار گذاشتند و کمپانی هند شرقی نیز گسترش آنرا در منطقه توصیه نکرد و بنابراین یکی از دو رقیب سرسخت زبان فارسی یعنی زبان انگلیسی پا به میدان نهاد و با حمایت استعمارگران انگلیسی گردن

افراخت و بزودی هم گسترش یافت. مردم هند نیز در آغاز کار در برابر آن به مبارزه پرداختند و به پشتیبانی از زبانهای ملی و مادری خود برخاستند و در این میانه زبان فارسی فراموش گشت و ظاهراً از سال ۱۸۳۵ به بعد کم کم مغلوب انگلیسیها شد.

### زبان فارسی در روزگار ما:

فتنه انگلیسیها در هند نتوانست زبان فارسی را که درختی تنومند و ریشه دار بود یکمرتبه و بکلی محو کند. در هند پهناور تمدن و فرهنگ با فارسی دانی قرین بود فارسی دانی دلیل تمدن و فرهنگ. وجود کتابهای فارسی در خانه‌های هندی‌ها دلیل اصالت و فرهنگ منشی آنان به شمار می‌رفت. بعضی از رهبران هند نیز به ایرانیان و فرهنگ و تمدن کهن آنان به دیده احترام می‌نگریستند، جواهر لعل نهرو در کتاب کشف هند جمله‌ای دارد که ترجمه آن چنین است: «از میان ملل و نژادهای بسیاری که با هندوستان تماس داشته‌اند و در زندگانی و فرهنگ هند نفوذ کرده‌اند، قدیمترین و بادوامترین آنها ایرانیانند» طبق آماري که از وضع دانشگاههای هند در سال ۱۳۵۵ در دست داریم در هند ۹۴ دانشگاه رسمی و دولتی وجود دارد که زبان و ادب فارسی در ۲۰ دانشگاه در مقطع لیسانس و در ۳۶ دانشگاه در مقاطع لیسانس و دکتری تدریس می‌گردد و بنابراین بیش از ۶۶ درصد دانشگاههای هند دارای کرسی تدریس زبان فارسی است. به علاوه طبق همان آمار در همه دبیرستانهای هند در جاهائی که اردو تدریس می‌گردیده و نیز در دوره سه ساله لیسانس عمومی آموختن زبان فارسی به عنوان درس اختیاری وجود داشته است<sup>۲۲</sup> در حال حاضر مراکز تدریس زبان و ادب فارسی در دانشگاههای هند در مقطع فوق لیسانس و دکتری چنین است:<sup>۲۳</sup>

- ۱- دانشگاه دهلی، دهلی
- ۲- دانشگاه جواهر لعل نهرو- دهلی نو
- ۳- دانشگاه جامعه ملیه اسلامی، دهلی نو
- ۴- دانشگاه اسلامی علیگر، علیگر

- ۵- دانشگاه اله آباد ، الله آباد
  - ۶- دانشگاه لکنهو ، لکنهو
  - ۷- دانشگاه هندوی بنارس ، بنارس (واراسنی Varanasi)
  - ۸- دانشگاه پتنا ، پتنا (Patna)
  - ۹- دانشگاه کلکته ، کلکته
  - ۱۰- دانشگاه بهوپال ، بهوپال (Bhopal)
  - ۱۱- دانشگاه عثمانیه ، حیدرآباد
  - ۱۲- دانشگاه کشمیر ، سرنیاگار (Srinagar)
  - ۱۳- دانشگاه بمبئی ، بمبئی
  - ۱۴- دانشگاه پونا ، پونا (Poona)
  - ۱۵- دانشگاه گجرات ، احمدآباد
  - ۱۶- دانشگاه گجرات جنوبی ، سورت (Surat) گجرات .
  - ۱۷- دانشگاه مهاراجاسایاجی راو، بارودا (Baroda) گجرات
  - ۱۸- دانشگاه ناگپور ، ناگپور (Nagpur)
  - ۱۹- دانشگاه پنجابی ، پاتیالا (Patiala) پنجاب
  - ۲۰- دانشگاه بیهار مظفر مور (بیهار)
  - ۲۱- دانشگاه مگد: بودگیا (Bodhi Gaya) بیهار.
  - ۲۲- دانشگاه بهاگل پور، بهاگل پور (بیهار)
  - ۲۳- دانشگاه گوهاتی ، گوهاتی (Gauhati) آسام
  - ۲۴- دانشگاه وشیوابهارتی شانتی نکتین (Shanti Niketan) (دانشگاه ناگور) بنگال
- طبق آمار مذکور در حدود دو بیست دانشگاه و دانشکده دیگر هند هم در سطح لیسانس عمومی (B.A.) یا لیسانس خصوصی (B.A.Honours) زبان فارسی تدریس می گردد و اینها غیر از مدارس دینی اسلامی و مراکز اسلام شناسی هند است که در زیر به بعضی از آنها اشارت می رود:

- ۱- دارالعلوم ندوۃ العلماء، لکنھو.
- ۲- دارالعلوم دیوبند (یوبی) (Deoband)
- ۳- الجامعہ السلفیہ، بنارس
- ۴- مظاہر العلوم، سہارن پور (Saharanpur)
- ۵- مدرس فیض عام، منو، اعظم گر (Mau Azamgarh)
- ۶- مدرس عالیہ منو، اعظم گر.
- ۷- مدرسہ شمس الہدی - پاتنا (Patna)
- ۸- مدرسہ عالیہ، کلکتہ
- ۹- جامعہ دارالاسلام - عمر آباد (تامیل نادو)
- ۱۰- مدرسہ باقیات الصالحات - ویلور (Tamil Nadu) (تامیل نادو)
- ۱۱- جامعہ مفتاح العلوم - منو - اعظم گر.
- ۱۲- مدرسہ الاصلاح - سرای میر - اعظم گر
- ۱۳- جامعۃ الوشاد - بلیریا گنج (Bilriaganj) اعظم گر.
- ۱۴- جامعہ محمدیہ مالینگانوں (Maleganon) (مہاراشترا)
- ۱۵- جامعہ اسلامیہ - وارانسی
- ۱۶- مدرسہ عالیہ فتحپوری - دہلی

لازم به یادآوری است که در مدارس یاد شده اخیر درس فارسی جزو برنامه های درسی محسوب می گردد و با توجه به این که اسلام از راه زبان فارسی به هند وارد شده و منابع و مآخذ اسلام شناسی موجود در هند اکثر به زبان فارسی بوده است و حتی کتابهای دستور زبان عربی نیز به فارسی تدریس می گردید طلاب این مدارس ناگزیر بودند زبان فارسی را در حد استفاده از این منابع بدانند و بدین جهت کتبی همچون گلستان و بوستان سعدی و مثنوی و اخلاق جلالی و اخلاق محسنی در این مدارس تدریس می گردید و آنجا یکی از مراکز مهم پایگاه های اساسی زبان فاسی به شمار می رفت.<sup>۲۴</sup>

علی رغم همه تلاشهایی که برای زدودن زبان فارسی از هند صورت گرفت، ریشه‌های «نخل کهنسال» زبان فارسی چندان گسترده بود که بسادگی محو مطلق نگشت و جرقه‌هایش اگر چه کمتر می‌زد ولی نورش همواره روشنگر دلها بود. پدر رابیندرانات تاگور فیلسوف بزرگ در درونسوی مرزهای شرقی هند هر بامداد غزلی از حافظ می‌خواند و شروح چاپ دیوان حافظ در هند پیش از ایران چاپ شد و ظاهراً به سال ۱۲۲۰ ه. ق در کلکته انجام گرفت در حالی که در ایران از سال ۱۲۵۶ به بعد چاپ آن آغاز گردید. حتی تعداد شهرهای شبه قاره که در آنجا دیوان حافظ به چاپ رسیده مانند: دهلی، بمبئی، کلکته، آگره، لکنهو، سیالکوت، حیدرآباد کانپور، کراچی، لاهور، احمدآباد، اللہ آباد، پونا، اسلام آباد، پیشاور، مرادآباد و غیره از مراکز ایرانی مشابه آن بیشتر است. فقط موسسه انتشاراتی نولکشور هند تا سال ۱۹۲۱ دوازده بار متن فارسی و هشت بار ترجمه پنجابی آنرا انتشار داده است و از ترجمه‌ها و شرحهای اشعار حافظ به فارسی و اردو و پنجابی و هندی و بنگالی و انگلیسی که در هند انتشار یافته، تا کنون صد و بیست عنوان آن فهرست گردیده است.<sup>۲۵</sup>

متأسفانه در سالهای اخیر به دلایل گوناگونی زبان و ادب فارسی در هند به هیچ وجه رونق و رواج پیشین را ندارد. فرصتی دیگر و مجالی مناسب باید تا علل این «خسران عظیم» و «غبین فاحش» را باز نمائیم و قلم را بر نامه بگریانیم و راههای گسترش آنرا که همه شدنی است باز نمائیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## یادداشتها و منابع

۱- این زبانها همانهاست که اکنون بر روی رویه‌های اسکناس هندی چاپ می‌گردد. می‌گویند زبان «سندی» نیز بزودی به آنها اضافه می‌گردد.

(۲) استاد سعید نفیسی تخلص او را «نکستی» دانسته‌اند که به صورت (نکتی) تحریف شده است. ر.ک مجله ارمغان شماره‌های ۹-۸ سال دهم ص ۵۶۹

(۳) ر.ک لباب الالباب ج ۲- ص ۵۷

(۴) تذکره لباب الالباب فقط شانزده بیت از او نقل کرده است.

(۵)

به هیچ نوعی گناهی دگر نمی‌دانم      مراجز اینکه ازین شهر مولد و منشاست

مسعود سعد (دیوان چ رشید یاشمی ۵۶۱)

(۶) تاریخ ادبیات فارسی هند در دوره خلیجان.

(۷) تألیف ضیاءالدین برنی به تصحیح مولوی سید احمد خان چاپ کلکته ۱۸۶۲ به نقل تاریخ ادبیات فارسی در دوره خلیجان ص ۱۶-۱۵

(۸) اصلش سیستانی است ولی بعضی نام او را به اشتباه سنجری خوانده‌اند

(۹) فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان تألیف دکتر شهریار نقوی از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ سال ۱۳۴۱ ص ۳۲

(۱۰) ر.ک سلسله‌های اسلامی نوشته کلیفورد موند بوسورت از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. ترجمه فریدون بدره‌ای.

(۱۱)

حافظ ز شوق مجلس غیای دین      غافل مشکو که کار تو از ناله می‌رود

(غزل ۲۶۸ چ دکتر خاندی)

و یا غزل دیگر به مطلع:

لطف‌ها می‌کنی ای خاک درت تاج سرم  
(غزل ۳۱۶ همان کتاب)

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم

(۱۲) شاید غزل زیر مناسب همین ایام باشد:

به می بفروش دلخ ما، کزین خوشتر نمی‌آرزد  
(غزل ۱۴۷ کتاب یاد شده)

دمی با غم بسر بردن جهان، یکسر نمی‌آرزد

(۱۳) - ر.ک. تعلیقات دکتر خاندی بر دیوان حافظ / ۴-۱۱۹۳

(۱۴) صائب می‌گوید:

رقص سودای تو در هیچ سری نیست که نیست

همچو عزم سفر هند که در هر سر هست

(۱۵) کلیم می‌گوید:

کجا خواهد رساندن پرفشانی مرغ بسمل را  
به پای دیگران همچون جرس طی کرده منزل را  
که رو، هم گریه راه آرام نمی‌بینم مقابل را<sup>۲</sup>

اسیر هندم وزین رفتن بیجا پیشمانم  
به ایران می‌روم نالان کلیم از شوق همراهان  
ز شوق هند ز انسان چشم حسرت در قفا دارم

(۱۶) دیوان رشید یاسمی / ۵۶

(۱۷) ر.ک. مقاله نگارنده تحت عنوان: «بیوندهای مشترک ادبیات سنسکرت و فارسی دری»، در شماره سوم مجله قند پارسی از انتشارات رایزنی فرهنگی ایران دهلی، نو.

(۱۸) ر.ک. مقدمه کلیمه و دمنه مصحح مجتبی مینوی

(۱۹) - برای تفصیل بیشتر رجوع شود به کتاب فرهنگ نویسی در هند و پاکستان تألیف دکتر شهریار نقوی - بعضی از این فهرستها نیز از همانجا نقل گردید.

۲۰- مجله دانش شماره ۱۱۷/۲۶

(۲۱) به نقل مجله دانش / ۱۱۲

۲۲- مقاله آقای دکتر حکیم الدین قریشی استاد پیشین جامعه ملیه دهلی - همانی نامه ۱۸۷

۲۳- ر.ک. مقاله شادروان پروفیسور نورالحسن انصاری استاد پیشین دانشگاه دهلی، مسائل زبان فارسی سال

۱۳۶۵-۷/۱۲۶

۲۴- ر. ک مقاله روان شاد دکتر مشایخ فریدنی در روزنامه کیهان شماره ۱۳۵۶۳

۲۵- مقدمه ترجمه حافظ به زبان اردو تالیف قاضی سجاد حسین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی